

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی
سال ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، شماره ۲۴
مقاله علمی پژوهشی
صفحات: ۱۴۹-۱۷۲

بررسی پادرمیانی رخدادهای مباحثه در فرود آمدن سوره آل عمران

رضا حاجیان حسین آبادی*
پرویز رستگار جزی**

چکیده

بی تردید برای فهم قرآن، مخاطب باید با زوایای نزول قرآن، فرهنگ، آداب و رسوم، محیط، شأن و اسباب نزول واقف شود. بدون توجه به آنچه گفته شد، چنان فهمی حاصل نخواهد شد. این نوشتار برای بررسی ارتباط آیات اولیه سوره آل عمران و رخداد مباحثه در سه بخش با طرح تاریخ گذاری سوره آل عمران و رخداد تاریخی مباحثه، بررسی دلالتی و سندی آیات و روایات، نامه نگاری و ورود قبایل به مدینه، فهمی روشن و صحیح از عدم همزمانی نزول آیات سوره آل عمران و رخداد مباحثه به دست دهد. هم‌مضمونی آیه ۶۱ آل عمران با رخداد مباحثه، سبب خلط سبب نزول و هم‌زمانی در نزول شده است. با بررسی سندی و دلالتی، در نظر گرفتن روایات ترتیب نزول و رخدادهای قطعی تاریخی در آیات، سوره آل عمران در سال سوم نازل شده است. به رغم اینکه مباحثه از اتفاقات قطعی تاریخی است، با نزول آل عمران هم‌زمان نیست. مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با بهره گیری از آیات، روایات و مستندات تاریخی نگاشته شده است.

کلیدواژه‌ها: سوره آل عمران، سبب نزول، مباحثه، تاریخ گذاری قرآن.

* استادیار دانشگاه پیام نور / alihajian131@gmail.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان / p.rastegar@mail.kashanu.ac.ir

۱. مقدمه

تاریخ گذاری قرآن به دلیل فهم بهتر قرآن و آشنایی با شرایط و مقتضیات، شناخت مطلق و مفید، عام و خاص، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ و برداشت های فقهی لازم است. (آلغازی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۳ و ۳۹) ولی به سبب تفاوت ترتیب نزول با مصحف، و فاصله طولانی از زمان نزول تاکنون، تاریخ گذاری امری دشوار است. قرآن کریم پس از نزول به دستور پیامبر اکرم ﷺ مرتب و مدون شد و به شکل کنونی درآمد. (همان، ص ۳۰ و ۳۱) فهم اینکه آیات و سوره ها دقیقاً در چه زمانی نازل شد، تا حدودی مشکل است؛ زیرا در دوره ای منع کتابت حدیث، سبب عدم ثبت و نگارش گفتار و رفتار پیامبر ﷺ شد؛ که اولین مشکل آن، نقل به معنا بود. (ساجدی و مرتضوی شاهرودی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۳۳-۱۳۵) علاوه بر این عده ای به جعل و وضع دست زدند. در طول زمان، واقعیت ها دچار تحریف شد و با از بین رفتن شاهدان نزول، افراد با مصداق یابی و در نظر گرفتن مصادیق به جای اسباب نزول، حقایق موجود در آیات و روایات را دچار خدشه کردند. (سلیمی زارع، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲۷) این نوشتار بر آن است تاریخ نزول سوره آل عمران و رخداد مباحثه را بررسی و تحلیل کند و به ارتباط یا عدم ارتباط آن دو، به طور دقیق پی ببرد. هدف پژوهش تبیین این مسئله است که چگونه فاصله زمانی چندین ساله بین نزول سوره آل عمران و مباحثه قابل توجیه است.

۱-۱. بیان مسئله

با بررسی محتوای سوره آل عمران و در نظر گرفتن رخداد های تاریخی در آن و توجه به متون روایی و تاریخی، سؤال اصلی پژوهش این است که آیا رخداد مباحثه، سبب نزول آیات اولیه سوره آل عمران است؟ سؤالات فرعی پژوهش عبارت اند از: آیا رخداد های بیان شده در سوره آل عمران، ملاک تاریخ گذاری است؟ آیا سبب نزولی که برای قسمت اول سوره آل عمران بیان شده، با واقعیات تاریخی سازگار است؟ در کدام سال، پیامبر ﷺ برای سران قبایل و مسیحیان نجران نامه نوشت و آن ها چه زمانی به مدینه رهسپار شدند؟

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، به بررسی دلالتی، توجه به اصول و معارف قطعی، دقت در زمان و مکان نزول، بررسی سندی و تاریخ قطعی در پی کاوش و

پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش خواهد بود.

۲-۱. پیشینه پژوهش

در منابع روایی و تاریخی، مطالب زیادی در رابطه با اسباب نزول، ترتیب نزول، مکی و مدنی سوره‌ها و قصص قرآن وجود دارد که در بردارنده اطلاعات مختلفی در خصوص رخدادهای پس از نزول قرآن است. به علت منع تدوین احادیث نبوی و دور کردن ائمه (علیهم‌السلام) از رهبری جامعه و مرکز خلافت، روایات آن‌ها به‌طور کامل و دقیق ثبت نگردید و در مواردی دستخوش تغییرات شد. علاوه بر منابع متقدم، مفسران در ذیل آیات سوره آل عمران به بحث مباحله و سبب نزول آن پرداخته‌اند. علاوه بر آن، منابعی به‌طور مستقل در این خصوص نوشته شده است. تألیفاتی که ارتباط بیشتری با موضوع دارند و به‌طور مستقیم واقعه مباحله را از نظر تاریخی مورد اشاره قرار داده‌اند، بیان می‌شود.

- شاید اولین کتابی که ماجرای مباحله را در خود ثبت کرده است، کتاب سلیم بن قیس الهمدانی (۱۴۰۵ق) باشد.

- ابن اسحاق در کتاب سیره رسول‌الله (ابن اسحاق، ۱۳۶۱ش)، روایات مباحله و مستندات قرآنی آن را گردآوری کرده است که بر مؤلفان پس از خود تأثیر بسزایی داشته و قدیمی‌ترین اثر در سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به شمار می‌رود.

- بررسی تطبیقی مباحله پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با مسیحیان نجران (غراب، ۱۳۹۰ش)؛ نویسنده در شش فصل به پیشینه تاریخی مباحله، بررسی فریقین، نقش مباحله در مجادلات عقیدتی شیعه، چگونگی انجام مباحله و نمونه‌های تاریخی آن، و معرفی و نقد چند اثر درباره مباحله می‌پردازد.

- مباحله در مدینه (ماسینیون، ۱۳۷۸ش)؛ دارای هفت فصل است. خلاصه روایات ابن اسحاق را در خصوص کیفیت اجرای مباحله و مستندات قرآنی آن می‌آورد و در فصلی به تحلیل کتاب المباحله شلمغانی می‌پردازد.

- گزارش لحظه به لحظه از ماجرای مباحله (انصاری، ۱۳۸۵ش)؛ از گفت‌وگو میان نجرانیان و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شروع و مناظره علمای مسیحی با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را بازگو می‌کند و مراسم مباحله را نیز به‌نحوی مبسوط توضیح می‌دهد.

مقالات متعددی هم در این زمینه نگاشته شده از جمله:

- «بررسی تاریخی آیه مباهله و بازتاب‌های کلامی آن» (معموری، ۱۳۸۶ش)؛ نویسنده به واقعه مباهله در ادیان و اقوام دیگر اشاره و با اشاره به زمان وقوع، آن را سند افضلیت، برتری و عصمت اهل بیت علیهم‌السلام دانسته است.
- «مباهله روشن‌ترین دلیل باورهای شیعه» (پاک‌نیا، ۱۳۸۲ش)؛ نویسنده مدعی شده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به واسطه خالد بن ولید، مسیحیان را در سال دهم به اسلام دعوت و با نامه‌نگاری، آنان را بدان فراخواند که در پی آن به مدینه آمدند و با وی مباهله کردند.
- «آراء تفسیری مفسران معاصر پیرامون آیه مباهله» (نجفی و موسوی، ۱۳۹۴ش)؛ نویسنده جنبه‌های فقهی کلامی، حقوقی، ادبی و تاریخی آیه مباهله را مطرح کرده است.

به‌طور کلی اکثر تألیفات به روایات مرتبط و وقوع مباهله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مسیحیان نجران اشاره کرده‌اند. در مواردی آیات قرآن مورد استدلال قرار گرفته است. بعضی از نوشتارها به سبب نزول آیات اولیه آل عمران در خصوص مباهله اشاره کرده‌اند. در این نوشتار به رخداد مباهله که مورد اتفاق فریقین است، چگونگی تطبیق آیات با واقعه مباهله با وجود فاصله زمانی نزول سوره و رخداد فوق، مورد بررسی قرار خواهد گرفت که در هیچ‌یک از تألیفات بدان پرداخته نشده است.

۳-۱. لغت‌شناسی و اصطلاح‌شناسی مباهله

مباهله از «بهل» مشتق شده است؛ ابن فارس الباء و الهاء و اللام را، سه حرف و دارای سه اصل معنایی دانسته: ۱. انصراف دادن، خالی کردن؛ ۲. نوعی دعا کردن؛ ۳. آب کم. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۰) لغویون آن را واژه عربی و به معنای رها کردن، ترک کردن و قید و بندی را از چیزی برداشتن دانسته‌اند. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۵۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۹؛ زمخشری، ۱۹۷۹م، ص ۵۵؛ همو، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۲۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۴۷) مباهله به معنای لعنت کردن نیز آمده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۵۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۹؛ زمخشری، ۱۹۷۹م، ص ۵۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۱۶۷؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۴۷) در تفاوت

لعن و بهل، و یا لعنت و مباحله گفته‌اند: «لعن نوعی دعاست؛ به معنای شخصی را از خود دور کردن و راندن است. و البهل لعن با شدت بیشتری است. اینکه خدا کسی را مباحله می‌کند یعنی او را با شدت بیشتری از رحمت خود - به علت کفر، شرک و یا... - دور می‌کند و برای همین به کسی که با شدت بیشتری کسی را مورد لعنت و نفرین قرار می‌دهد مبتهل گفته می‌شود. (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص ۴۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۴۸) شدت نفرین در مباحله، بسیار بیشتر از ملاعنه و با تأکید بیشتری همراه است. لعنت کردن در هر امری بین دو نفر یا بیشتر انجام می‌گیرد. (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۱۹۶؛ ابن اثیر، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۲۵۵؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۳۰۹) مباحله بیشتر در مسائل دینی و عقیدتی به کار می‌رود. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶ش، ج ۹، ص ۲۳۰) ملاعنه یا لعان بین دو نفر - زن و شوهر - در قرآن به کار رفته است. (نور: ۷) ارتباط معنای این واژه با لعنت در این است که لعنت سبب جدا و دور شدن فرد از رحمت الهی می‌شود.

در مباحله، تمام توجه و نظرمان را با دور کردن تمایلات و خواسته‌های درونی، به سوی خدا کرده و با قلبی پاک و صادق، لعنت خدا را برای دروغگویان طلب می‌کنیم. (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۴۹) مباحله در اصطلاح به معنای نفرین کردن دو نفر یا دو گروه به یکدیگر است، به گونه‌ای با تضرع از خدا می‌خواهیم دروغ‌گو را لعنت و از رحمت خود دور سازد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۹؛ زمخشری، ۱۹۷۹م، ج ۵۶؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۱۶۷) افرادی که با هم درباره یک مسئله مهم دینی اختلاف دارند، پس از اینکه حجت و استدلال نتوانست آنان را قانع کند در جایی گرد آیند و به درگاه خداوند تضرع کنند و از خداوند بخواهند که فرد دروغ‌گو یا ظالم را رسوا سازد و یا بر او عذاب نازل فرماید. سنت مباحله از گذشته‌ها و در ادیان الهی رواج داشته است. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۸۳؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۱۸؛ ماسینیون، ۱۳۷۸ش، ص ۶۷؛ قرشی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۹۹) در کتب مقدس نمونه‌های متعددی یافت می‌شود. (معموری، ۱۳۸۶ش، ص ۸۷) در قرآن به مواردی اشاره شده است؛ چنان‌که در آیه ۳۲ سوره انفال مشرکان از خداوند درخواست می‌کنند اگر قرآن و پیامبر حق است عذاب الهی بر آنان نازل گردد.

۲. تاریخ‌گذاری قرآن کریم

برای شناخت و فهم دقیق‌تر تاریخ‌گذاری قرآن کریم لازم است، نسبت به روایات و نگاشته‌های تاریخی، فهم و درک واقع‌بینانه‌تری به دست آوریم. تاریخ‌گذاری دانشی است که از تاریخ و ترتیب نزول فقرات مستقل وحی‌های قرآنی اعم از یک سوره کامل یا فقره‌ای مستقل از یک سوره تدریجی‌النزول بحث می‌کند. (فاروق آشکار تیزابی و همکاران، ۱۳۹۵ش، ص ۴۷) در عصر حاضر، مفسران زیادی به روش تاریخی تفسیر روی آورده‌اند. بنا به اعتقاد مفسران روش تنزیلی- تاریخی، بهترین روش تفسیری است که می‌تواند دستیابی به مقصود خدای متعال در آیات قرآن را مهیا سازد. (مصلائی پور یزدی، ۱۳۸۷ش، ص ۸۱) چون قرآن متنی تاریخ‌مند و طی ۲۳ سال به اقتضای شرایط و مقتضیات عصر رسالت پیامبر ﷺ نازل شده که آن شرایط و مقتضیات قراین حالی و مقالی آیات قرآن به شمار می‌روند. (نکونام، ۱۳۸۰ش، ص ۲؛ نک: فاروق آشکار تیزابی و همکاران، ۱۳۹۶ش، ص ۳۷-۳۶) در این روش، سیر تدریجی و زمان تشریح احکام و وقایع تاریخی به بهترین شکل نشان داده می‌شود. (فاروق آشکار تیزابی و همکاران، ۱۳۹۶ش، ص ۵۱) مفسر در این روش، فهم خود را بر همراهی با وحی تدریجی و تنزیلی قرار می‌دهد و برای تاریخ‌گذاری و تاریخ‌مند کردن آیات و سوره از خود قرآن کمک می‌گیرد. لذا بهترین روش تفسیری که می‌تواند دستیابی به مقصود خدای متعال در آیات قرآن را میسر سازد، تفسیری تاریخی قرآن کریم است. در راستای آن اسباب نزول واقعی قرآن نیز به دست خواهد آمد.

۲-۱. تاریخ‌گذاری آیات سوره آل عمران و رخدادهای مباحثه

با استفاده از قرآن و منابع روایی و تاریخی، سبب نزول آیات اولیه سوره آل عمران و مباحثه پیامبر ﷺ با مسیحیان نجران مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد تا به تاریخ‌گذاری دقیق‌تری از نزول سوره آل عمران و رخدادهای مباحثه برسیم.

۲-۲. اسباب النزول روایت‌شده در خصوص آیات اولیه سوره آل عمران

پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ شاهدان نزول که از نزدیک شاهد رخدادها و مختلف و اسباب نزول بودند، از بین رفتند و گزارش‌ها منقول از طرف تابعین، عمدتاً نظری و اجتهادی و بیان مصادیق، جری و تطبیق بوده است. (حیدرزاده، ۱۳۹۳ش، ص ۱۵۶ و

۱۶۱؛ رحمان ستایش و نریمانی، ۱۳۹۷ش، ص ۳۰-۳۱) روایات اسباب نزول با تسامح ذیل آیات قرآن آورده شد و بر آن منطبق گردید. (فارسی، بی تا، ص ۱۸؛ نک: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۱۲) لذا بسیاری از روایات اسباب نزول غیرمسند و ضعیف‌اند. (طباطبایی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۳۵) روایات اسباب نزول بیش از آنکه سبب نزول را بیان کند، قصصی را حکایت می‌کند که با آیات ارتباط دارند و صحابه و تابعان آن‌ها را بر آیات تطبیق داده‌اند. در نتیجه بدون اینکه دقیقاً سبب نزول آیات باشند، اجتهاد راویان و گزارش‌گرهاست. (همان‌جا) روایات اسباب نزول عموماً متعلق به کسانی است که خود شاهد نزول وحی نبوده‌اند. رخدادهای و وقایع را به دلیل شباهت بر آیات مربوط تطبیق داده‌اند. بسیاری از روایات با زمان و سیاق آیات و سور سازگاری ندارد، لکن چنین روایاتی را بر مصداق حمل کرده‌اند. (نکونام، ۱۳۸۰ش، ص ۱۵۲)

واحدی (۱۴۱۱ق، ص ۹۹-۱۴۵) و عنایه (۱۴۱۱ق، ص ۱۲۷-۱۵۵) روایات متعددی در خصوص سوره آل عمران ذکر کرده‌اند. در بعضی منابع، هشتاد و اندی و در بعضی شصت و اندی آیات آل عمران را در خصوص مسیحیان نجران دانسته‌اند. علاوه بر این به دنبال هریک از آیات، سبب نزول‌هایی آمده که متفاوت و در تضاد با دیگری است. سبب نزول آیه ۶۱ را مسیحیان نجران و یهودیان (همان، ص ۱۳۳) و سبب نزول آیه ۱۸۰ را مانعان زکات و یهود دانسته‌اند. (همان، ص ۱۳۶) در بیشتر آیات، سبب نزول‌های متفاوتی آمده است. فخر رازی از قول مقاتل آیات اولیه سوره آل عمران را - با دو قول - درباره یهود و نصاری نجران می‌داند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۲۷) در اصل تعداد آیات و جزئیات اختلاف فراوانی وجود دارد. بعضی هشتاد و اندی و عده‌ای شصت و اندی آیه را در خصوص مسیحیان نجران دانسته‌اند. از طرف دیگر، در پی هریک از این هشتاد آیه، سبب نزول خاصی ذکر شده که با دیگری سازگار نیست.

۲-۳. تاریخ‌گذاری سوره آل عمران

دو روش برای تعیین تاریخ نزول آیات و سور قرآن تعیین شده است: روش روایی که مبتنی و مستند بر روایات، از جمله روایات ترتیب نزول است که به چهارده طریق روایت شده است. روش اجتهادی که بر محتوای آیات و تطبیق آن بر حوادث تاریخی استوار است؛ و تاریخ‌گذاری را براساس سیاق و تطبیق محتوا بر اوضاع، احوال و زمان

نزول در نظر می‌گیرند. (فتاحی زاده و رجب زاده، ۱۳۸۷ش، ص ۳-۳۲) علامه طباطبایی متمایل به تاریخ گذاری بر اساس روش اخیر است. (طباطبایی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۴۵) برخی دقیق ترین شاخص برای تاریخ گذاری سوره های قرآن را تصریحات یا اشارات قوی آیات به رخداد های زمان مند عهد رسول خدا ﷺ دانسته اند. (نکونام، ۱۳۸۰ش، ص ۱۵۱) پیرایش روایات و توجه به محتوای بسیاری از سوره های قرآن می تواند به تاریخ گذاری دقیق تر و کامل تر کمک کند. با توجه به میزان اعتبار، مهم ترین منابعی که در تاریخ گذاری می تواند مورد بهره برداری قرار گیرد، محتوا و رخداد های زمان مند قرآن است؛ زیرا قرآن مهم ترین سند مورد قبول به شمار می رود. روایات ترتیب نزول تقریباً ترتیب مشابهی ارائه می دهند و دارای سندی قابل قبول، و از دیگر روایات معتبر ترند. برای تأیید نیز می توان از روایات اسباب نزول و سیره بهره برد. (همو، ۱۳۸۵ش، ص ۳۵ و ۴۱)

سوره آل عمران به رخداد های زمان مند اشاره دارد و روایات ترتیب نزول نیز بر تاریخ نزول آن تصریح دارد. روایات ترتیب نزول بر نزول سوره آل عمران پس از سوره بقره و انفال تصریح کرده اند. (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۱۴۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۶۱۳؛ شهرستانی، ۱۳۸۷ش، ج ۲، ص ۱۰۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص ۲۵۶) حجتی، طبق محکم ترین قول، نزول آل عمران را پس از بقره و انفال می داند. (حجتی، ۱۳۷۹ش، ص ۴۰۱) معرفت به روایت ابن عباس و تکمیل آن مطابق روایت جابر بن زید با تصحیح از روی نسخه های متعدد، اعتماد کرده و نزول سوره آل عمران را پس از بقره و انفال آورده است. (معرفت، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۳۳ و ۱۳۷-۱۳۸) بر اساس روایات ترتیب نزول، آل عمران در ردیف ۸۹ پس از بقره و انفال نازل شده است. (نکونام، ۱۳۸۰ش، ص ۳۰۵، جدول ۵) هیچ یک از روایات ترتیب نزول خلاف این را گزارش نکرده اند.

رخداد زمان مند قطعی در سوره آل عمران جنگ بدر، احد و حمراء الاسد است. جنگ بدر در سال دوم به وقوع پیوست که گزارش آن در سوره انفال آمده و در سوره آل عمران نیز بدان اشاره شده است. غزوه احد و حمراء الاسد از رخداد های قطعی سال سوم می باشد که در سوره آل عمران گزارش شده است. (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱،

ص ۱۹۹ و ۳۳۴؛ ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۱ و ۶۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۸ و ۳۷؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۴۹۹-۵۰۰؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۰۱-۲۰۲؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۸۸؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۱۴۸) جنگ احد را - بدون استثنا- بعد از بدر و در سال سوم آورده‌اند.

طالقانی نزول دو یا چند مرحله‌ای سوره آل عمران را نمی‌پذیرد؛ رخداد مباحله را پیش از آمدن وفود و پس از غزوه احد می‌داند. و آن را زمینه و تمهیدی برای مواجه شدن با افکار نصاری و بیانات کلی و تعلیمی دانسته که عبارت «فَإِنْ حَاجُّوكَ... فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ» بیانگر آن است. وی بیان سبب نزول آیه به مباحله مسیحیان نجران را مسامحه در تعبیر بیان کرده است. (طالقانی، ۱۳۶۲ش، ج ۵، ص ۱۷۰) علامه طباطبایی با توجه به سیاق واحد آیات در این سوره، نزول دفعی و یکباره کل سوره را محتمل دانسته است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۵) وی نزول آیات سوره آل عمران درباره مباحله را اجتهادی از سوی صحابه می‌داند؛ هرچند هم‌مضمونی را مدلول آیه دانسته‌اند. بحث جری و تطبیق همان پذیرش مدلول آیه و هم‌مضمونی است و ارتباطی با سبب نزول ندارد. روایات و گفتار دانشمندان، تاریخ نزول سوره آل عمران را سال‌های پایانی هم‌زمان با ورود وفود در مدینه ندانسته است.

۴-۲. جریان تاریخی مباحله

روایات مربوط به جریان مباحله متعدد، مشهور و در منابع شیعه و اهل سنت آمده است؛ تا حدی که کمتر مسئله‌ای اینچنین مورد اتفاق دانشمندان قرار گرفته است. تعدادی زیادی از صحابه- بیش از ۵۱ طریق- جریان مباحله را گزارش کرده‌اند. (ابن طاووس، بی تا، ص ۹۱-۹۴) شوشتری در کتاب *احقاق الحق*، حدود شصت نفر از بزرگان اهل سنت که به اختصاص آیه مباحله به اهل بیت علیهم‌السلام تصریح نموده‌اند، ذکر می‌کند. (شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۶-۷۶) پس از نامه‌نگاری‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به سران قبایل و دعوت آن‌ها به اسلام، هیئت‌های متعددی از مناطق مختلف به مدینه رهسپار شدند. هیئت شصت نفره مسیحیان نجران، نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمدند؛ چهارده نفرشان از بزرگان و اشراف بودند و سه نفرشان رئیس قبیله بودند، یکی عاقب (عبدالمسیح) که امیر و مشاورشان بود، دومی آیهم، سید و بزرگ آن قوم، و سومی حارثه بن علقمه،

کشیش و عالم دینی بود.

مسیحیان نجران هنگام ورود به مدینه، در مورد خداوند، تثلیث، حضرت مسیح علیه السلام و مادر او، با پیامبر صلی الله علیه و آله به احتجاج پرداختند. پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ سؤالات آنان را داد؛ زمانی که با لجبازی و سرکشی برخی از آنان مواجه شد، آنها را به مباحله فراخواند، یک روز از پیامبر صلی الله علیه و آله مهلت خواستند. اسقف اعظم آنها گفت: اگر محمد فردا برای مباحله با فرزندان و اهل خود آمد، از مباحله با او بترسید و اگر با اصحاب خود آمد، مباحله کنید. فردای آن روز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه علی بن ابیطالب، حسن، حسین و فاطمه علیها السلام آمد. هیئت مسیحی به سرپرستی اسقف اعظم، هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را با آن چند نفر (اهل بیت) دید، از مباحله امتناع ورزید. اسقف اعظم مسیحیان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گفت: ما با تو مباحله نمی‌کنیم بلکه مصالحه می‌کنیم. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با دریافت جزیه با آنها مصالحه کرد. (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۴۱ و ۷۹۱؛ ابن حنبل، ۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۷۳-۵۸۳؛ بلاذری، ۱۹۸۸م، ص ۷۱-۷۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۸۲-۳۹۴؛ قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۰۴؛ طبری، ۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۰۸؛ سمرقندی، ۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۱۹؛ ثعلبی، ۴۲۲ق، ج ۳، ص ۸۵-۸۶؛ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۸ و ۴۸۲؛ واحدی، ۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۱۴؛ طبرسی، ۳۷۲ش، ج ۲، ص ۷۶۲؛ ابوالفتوح رازی، ۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۶۵ و ۳۶۳؛ ابن عطیه، ۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۹۶؛ میسلی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۲؛ زمخشری، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۶۹؛ بغوی، ۴۲۰ق، ج ۱، ص ۴۰۶-۴۰۷؛ فخر رازی، ۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۲۷ و ۸، ص ۲۴۲؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۸۳-۸۲؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۵، ص ۲۶۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۹۶؛ مقریزی، ۴۲۰ق، ج ۴، ص ۳۸۱؛ ابن کثیر، ۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۹)

۳. بررسی دلالی و سندی آیات و روایات

با بررسی دلالی آیات، به مضمون و محتوای آیه، و با بررسی سندی روایات، به درستی و صحت منقولات روایی واقف، و با جمع‌بندی و تحلیل آنها به واقعیت نزدیک خواهیم شد.

۳-۱. بررسی دلالی آیات اولیه سوره آل عمران

وجود اختلاف تاریخی و فاصله زمانی میان رخدادها و وقایعی چون غزوه بدر، احد،

حمراءالاسد از یک طرف و رخدادهای مباحله در سوره آل عمران از طرف دیگر، تاریخ‌گذاری و فهم سوره را مشکل کرده است. اکثراً با ذکر همه روایات و عدم تحلیل و دقت نظر در آنها، رخدادهای قطعی - غزوه بدر، احد و مباحله - را به هم ارتباط داده‌اند. غزوه بدر که در سال دوم و آیاتی از آن در سوره انفال، و چندین آیه نیز در سوره آل عمران نازل شده است. (آل عمران: ۱۳؛ انفال: ۷-۱۹ و ۸-۴۱ و...) همچنین غزوه احد و حمراءالاسد از وقایع قطعی سال سوم و به‌طور مفصل در سوره آل عمران آمده است. (آل عمران: ۵-۱۲۳؛ ۵-۱۷۲) از مسائلی که روایات فریقین در اصل وقوع آن اختلاف ندارد، رخدادهای مباحله است ولی به دلیل شباهت موضوعی با آیه ۶۱ آل عمران، آن واقعه سبب نزول آیات شمرده شده است؛ درحالی‌که آیه مورد نظر، امر کلی را بیان می‌کند (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۱۰۶؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۰۵) و الفاظ آیه گویای این حقیقت است. علاوه بر این در تاریخ اسلام و حتی قبل از آن، مباحله‌های زیادی صورت گرفته است؛ برخی حکم مباحله در این آیه را مخصوص نصارای نجران ندانسته و به یهود هم اشاره کرده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۱۳؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ص ۱۴۴۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۲۳۵-۲۳۴؛ عنایه، ۱۴۱۱ق، ص ۱۳۳)

سوره آل عمران چند موضوع دارد ولی مجموعاً دارای پیوستگی است؛ بدین معنا که نمی‌توان این هشتاد و چند آیه را جدای از بقیه آیات در نظر گرفت و دارای سیاق واحدی است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ص ۵)

در آیات دو بار عبارت «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ» (آل عمران: ۲۰)، «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ» (همان: ۶۱) به کار رفته که حکایت از احتجاج احتمالی گروه‌های مختلف در آینده دارد. (پانی‌پتی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۶۰) و اماره و نشانه‌ای بر واقعه‌ای خاص ندارد. لذا با تعبیر «اگر با تو به محاجه برخاستند بگو»، به نظر می‌رسد خداوند به پیامبر ﷺ شیوه برخورد با کسانی که خود را عالم می‌دانند و درباره توحید و مسائل مربوط به آن مشاجره می‌کنند، آموزش می‌دهد؛ یعنی با آنان چنین برخورد کن و چنین بگو. علامه با توجه به پیوستگی همه آیات و انسجام کل سوره، معتقد است به احتمال قوی سوره آل عمران یکباره نازل شده و بیان داستان مباحله ذیل آیات این سوره اجتهاد

صحابه بوده است. از طرفی، پیامبر ﷺ با افراد دیگری مانند یهودیان مباحله کرده و مخصوص نصاری نجران نبوده است.^۱ (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ص ۵ و ۶) کلی بودن الفاظ، وجود شرط در «فان حاجوک»، همراه نداشتن فرزند هیئت نجرانی، وجود روایات مبنی بر انجام مباحله با یهودیان پس از نزول آیه، و کلی بودن ضمائر و الفاظ و عبارات، دلالت بر نزول آیه قبل از مباحله با مسیحیان نجران است. (طالقانی، ۱۳۶۲ش، ج ۵، ص ۱۶۷—۱۷۴) از ظاهر عبارات برمی آید کسی مقابل پیامبر ﷺ قرار نداشته و از نظر دلالتی نمی توان از عبارات دریافت که آیه یا مجموعه آیات مستقیماً و بلافاصله پس از رویدادی نازل شده باشد. از طرفی گفته شده دو نفر از بزرگان نصاری - سید و عاقب - نزد حضرت آمدند و مسلمان شدند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۷۶۳) در صورتی که اگر دو نفر از رؤسای آن‌ها مسلمان می شدند بقیه نیز تبعیت می کردند و مسلمان می شدند و نیازی به پرداخت جزیه نبوده است؛ درحالی که در صلحنامه، پرداخت جزیه مقرر شده است.

۲-۳. بررسی سندی روایات

برای فهم بهتر سبب نزول آیات قرآن، علاوه بر سنجش روایات و تحلیل محتوای آیات باید سند و راویان به دقت بررسی شوند. بررسی اسناد سبب نزول، این ادعا را تقویت می کند که کمتر سبب نزولی از سند متقنی برخوردار است. (غضنفری، ۱۳۸۴ش، ص ۴) روایات مباحله جدای از تعدد نقل و اطمینان از وقوع آن، مانند سایر روایات سبب نزول با مشکل تطبیق واقعه با آیات هم‌مضمون همراه است؛ زیرا بسیاری از کسانی که به نقل سبب نزول پرداخته‌اند شاهد نزول وحی نبوده یا بدون اینکه از شاهدان نزول روایتی را بشنوند برای اعتماد به سخنانشان، به صحابه متصل کرده‌اند. در بسیاری از روایات تصریحی بر هم‌زمانی نزول آیات با مباحله نشده است.

در روایات سبب نزول آیات اولیه سوره آل عمران با رخداد مباحله، چند دسته اسناد وجود دارد؛ اکثر اسناد مرسل^۲ و از غیر صحابه نقل شده و یا بدون اشاره به سلسله اسناد، از صحابه نقل کرده‌اند؛ مانند آنچه از ابن عباس روایت شده است و بعضی از راویان آن ضعیف و مجهول‌اند. در روایتی که بیهقی آورده «من طریق سلمة بن عبد یسوع [یسوع] عن ابيه عن جده» به دو گونه، یسوع و یسوع آمده است. (نک: بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۸۵؛ مقریزی، ۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۶۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲،

ص ۴۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸) این روایت از نظر محتوا دلالت بر نامه‌نگاری به سران قبایل قبل از نزول سوره نمل - که مکی است - دارد که از اساس باطل است. ابن حجر عسقلانی با عدم ذکر نام وی در *التهدیب، التاریخ الکبیر، الجرح و التعدیل و المیزان*، وثاقت وی را زیر سؤال می‌برد. (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۸۵) روایات وی از نظر سندی مجهول است؛ زیرا در منابعی که به معرفی صحابه و تابعین می‌پردازد، ذکری از وی نیامده است. (غزالی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۲۴)

راویانی مانند «محمد بن سهل بن ابی امامة» (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۸۵؛ ابن قییم، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۵۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳) در خصوص نام او اختلاف وجود دارد و در همه موارد به یک شکل ثبت نشده و بدون واسطه از او نقل شده است. نویسندگان همگی از ابن اسحاق نقل قول کرده‌اند که راوی مهمل^۳ است و در منابع به شکل‌های محمد بن ابی امامة بن سهل بن حنیف انصاری (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷۵ و ج ۳، ص ۳۵۹-۳۶۰ و ج ۵، ص ۴۰۴؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۷؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱۱، ص ۵۱۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۹۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۶۶؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۶۷) و در موارد متعددی ابی امامة بن سهل (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۵۷ و ۱۶۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۶۵۵؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۷۰ و ج ۶، ص ۵۱۱) و در مواردی ابی امامة آمده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۸۹ و ج ۲، ص ۱۷۳ و ج ۷، ص ۲۸۸؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۴۳۴؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۲۳ و ج ۱۲، ص ۵۲) که تشابه افراد زیاد و تشخیص راوی، مشکل است. در خصوص اصل و شخصیت سهل بن ابی امامة اختلاف وجود دارد؛ او را از تابعین به شمار آورده‌اند. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۰۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۹۵۲م، ج ۴، ص ۱۹۳؛ ابن اثیر، ۱۹۷۲م، ج ۱۲، ص ۴۸۰) برخی از اسنادی که نام وی در آن وجود دارد ضعیف شمرده شده است. (صالحی شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۳۸) برخی او را سهل بن ابی امامة بن سهل دانسته که ذهبی اسناد روایاتش را ضعیف دانسته است. (ذهبی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۹) علاوه بر این، راوی از تابعین است؛ در روایات سیوطی و بیهقی، نام راوی به شکل محمد بن سهل بن ابی امامة آمده که مقلوب شده^۴ و ضعیف به شمار می‌رود.

در بعضی از روایات، ابونعیم اصفهانی و بیهقی بدون ذکر سند از ابن عباس نقل کرده‌اند؛ در حالی که فاصله زمانی آن‌ها بسیار و سند روایت، مقطوع است. (نک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۹) اکثر اسناد روایات سبب نزول از تابعین روایت شده است. جعفر بن محمد بن الزبیر جزء تابعین به شمار می‌رود. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۳۰) قتاده نیز از تابعان به شمار رفته و حیات وی را از سال ۶۱ تا ۱۱۷ و ۱۱۸ هجری دانسته‌اند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ج ۸، ص ۳۵۵) ولی ابونعیم بی‌واسطه و قتاده نیز بدون ذکر نام صحابی‌ای که شاهد سبب نزول باشد، به بیان سبب نزول می‌پردازد. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۰) در روایتی دیگر، ابونعیم از جابر بدون واسطه روایت می‌کند (همان، ص ۳۸) در حالی که جابر از تابعان بوده و وفات وی در سال ۱۲۸ یا ۱۳۲ هجری و از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۴۳)

علباء بن الأحمر الیشکری (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۶؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۱۸۱) در منابعی بدون الیشکری به کار رفته است. (ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۳۲۷؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۸۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۲۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۷۴) او از تابعین به شمار می‌رود و از عکرمه نقل قول می‌کند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۷۴) در برخی روایات با حذف سلسله سند، تنها نام راوی ذکر شده است. حاکم نیشابوری، بیهقی و ابونعیم اصفهانی، مستقیم از محمد بن سهل بن ابی امامه، حدیثه، قتاده، جابر، شعبی، ربیع و ابن عباس نقل روایت کرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸-۴۰) روایتی که ابن عساکر آورده، راوی قابل شناسایی نیست. «أخرج ابن عساکر عن جعفر بن محمد عن أبيه». (همان، ص ۴۰) ابن عساکر بی‌واسطه و بدون ذکر سند از غیر صحابی نقل کرده است. آنچه بیان شد، دلالت دارد بر اینکه اسناد روایات که اشاره به سبب نزول آیات سوره آل عمران به واقعه مباحله دارد، مخدوش و غیر قابل پذیرش است. هر چند اصل وقوع مباحله در زمان خودش با توجه به کثرت روایات محفوظ است و علامه طباطبایی و همکاران، هم‌زمانی و سبب نزول آیات سوره آل عمران را واقعه مباحله دانسته و آن را از

باب جری و تطبیق به شمار آورده‌اند و وقوع اصل واقعه، قطعی است.

۴. دعوت از سران قبایل و ورود قبایل به مدینه

بررسی روایات و مستندات تاریخی صحیح و مستدل در خصوص نامه‌نگاری و دعوت از سران قبایل و پس از آن ورود وفود و قبایل به مدینه در سال‌های آخر حیات پیامبر ﷺ حقایق روشنی از خطای همسان‌سازی نزول سوره آل عمران و رخداد مباحله به دست می‌آید.

۴-۱. نامه‌نگاری و دعوت سران قبایل

از موضوعاتی که می‌تواند در تعیین و تشخیص تاریخ‌گذاری سوره آل عمران نقش داشته باشد، تعیین زمان نامه‌نگاری و دعوت سران قبایل به اسلام است. واضح است دعوت و نامه‌نگاری باید در زمانی صورت گرفته باشد که حکومت اسلامی دارای قدرت و توان کافی باشد تا دعوت اثربخش باشد. برخی منابع نامه‌نگاری را قبل از غزه احد و حتی پیش از نزول سوره نمل دانسته‌اند (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۸۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳ به نقل) در حالی که سوره نمل مکی و بیست و هفتمین سوره نازل شده است. (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۱۴۳؛ شهرستانی، ۱۳۸۷ش، ج ۲، ص ۱۰۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۶۱۳) دور از ذهن است پیامبر ﷺ سران قبایل را در مکه به اسلام دعوت کرده باشد؛ زیرا هنوز پیامبر درگیر مشرکان بود و قدرت نفوذ زیادی نداشت. هرچند ممکن است مردم-مشرکان و غیر آن‌ها- را در مواسم مختلف دعوت کرده باشد. (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۳۹۱ و ۴۲۷) در مکه نامه‌نگاری پیامبر به سران قبایل گزارش نشده است. گزارش‌ها، ارسال نامه در سال ششم و پس از آن را نشان می‌دهد. دیگر اینکه در نامه به پرداخت جزیه یا جنگ در صورت عدم پذیرش اسلام اشاره شده در حالی که جزیه در سال‌های پایانی و قدرت گرفتن حکومت اسلامی تشریح شد. (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۹۷-۴۹۸)

نامهٔ پیامبر ﷺ به اسقف مسیحیان نجران با اندکی اختلاف چنین آمده است: «بِاسْمِ إِلَهِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَيَّ أَسْقَفَ نَجْرَانَ وَ أَهْلَ نَجْرَانَ إِنْ أَسَلَّمْتُمْ فَإِنِّي أَحْمَدُ اللَّهَ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَيَّ عِبَادَةَ اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ وَ أَدْعُوكُمْ إِلَيَّ وَ كَلَايَةَ اللَّهِ مِنْ وَ كَلَايَةِ الْعِبَادِ فَإِنْ أُبَيِّتُمْ فَالْجَزِيَّةُ

فَإِنْ أُبْتِئُمْ فَقَدْ أَدْنَتْكُمْ بِحَرْبٍ وَالسَّلَامِ. (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۸۱؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۳۸۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳ به نقل از بخاری و مسلم؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۶۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱، ص ۲۸۵؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ص ۴۹۸) موضوع مهمی که در نامه رسول خدا ﷺ وجود دارد، پرداخت جزیه در صورت عدم پذیرش اسلام می باشد که این موضوع در سوره توبه بیان شده است. (ابی حاتم، ۱۹۵۲م، ج ۶، ص ۱۷۷۹؛ ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۵۴۸؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۳، ص ۳۰۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۳۴) بنابراین نامه نگاری پیامبر به هیئت نصاری نجران باید پس از دستور اخذ جزیه صورت گرفته باشد؛ که در صورت عدم پرداخت جزیه، اجازه جهاد به آن ها صادر شده است. اجازه جنگ با کسانی که تعدی و تجاوز کنند و مقابل مسلمانان بجنگند، اولین بار در سوره حج آمده است. (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۷؛ صنعانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۴؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۱۲۳؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۴، ص ۳۴۴؛ ابی حاتم، بی تا، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۴۹۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۷۹-۵۸۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۴۲) سوره حج جزء آخرین سوره هایی است که در آستانه هجرت نازل شد و روایات فراوانی در خصوص آیات اذن قتال نقل شده که همگی نشانگر مکی بودن سوره حج است. (احمدنژاد و کلباسی، ۱۳۹۷ش، ص ۳۷) عده ای آن را مدنی و نزول سوره حج را در از اواخر سال پنجم به بعد دانسته اند که روایات آن، یکدیگر را پشتیبانی نمی کنند و مورد انتقاد گرفته اند. (همان، ص ۳۹-۴۱) علامه طباطبایی نیز هر چند سوره حج را مدنی دانسته، نزول آن را قطعاً قبل از سوره بدر در نظر گرفته است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۳۳۸) پرداخت جزیه نشانه ای بر وقوع رخداد در سال های پایانی دوره مدینه است. بنابراین نامه نگاری به سران از ربیع الاول سال ششم پس از صلح حدیبیه و برای هدایت و دعوت به اسلام آغاز و ورود سران قبایل و وفود از سال نهم، یعنی عام الوفود، به طور رسمی آغاز شد. (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۵۵۹-۵۶۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۶۶؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۰ و ۴۹؛ همان، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۷؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۷۰) پس از فتح مکه و جنگ تبوک سران قبایل به مدینه آمدند و به همین

مناسبت آن سال را سال وفود نامیدند.^۵

در تعیین دقیق زمان دعوت سران قبایل از طرف پیامبر ﷺ اختلاف اندکی وجود دارد. بسیاری از دانشمندان ارسال نامه‌ها به سران قبایل را پس از صلح حدیبیه و در سال ششم می‌دانند. (خلیفه، ۱۴۱۵ق، ج ۳۵؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۶۴۴-۶۵۷؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۱۰-۲۱۵؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۴۹-۴۵۲) اختلاف‌ها را به جهت کثرت نامه‌ها و دعوت‌ها دانسته‌اند. (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۴) ابن سعد نامه به مسیحیان نجران را از آخرین نامه‌ها دانسته است. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۹) با توجه به پیروزی در غزوه‌های مختلف، به‌ویژه پس از صلح حدیبیه تا فتح مکه، پیامبر ﷺ نامه‌های زیادی به سران قبایل فرستاد که به دنبال آن بسیاری ایمان آوردند و برخی به پرداخت جزیه تن دادند. باید شروع نامه‌نگاری را از سال ششم و پس از صلح حدیبیه دانست.

۲-۴. ورود سران قبایل به مدینه

سران قبایل پس از قدرت گرفتن و گسترش فتوحات اسلامی برای آشنایی و فهم اسلام، وارد مرکز حکومت اسلامی شده و فوج فوج به دین اسلام وارد شدند. آیات و سوره‌های قرآن این بشارت را در صلح حدیبیه بیان کرده است. (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۶۵؛ قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۳۱۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۱۶۶) از صلح حدیبیه، روزه‌روز پیروزی‌ها و گرایش مردم به اسلام بیشتر شد و آزادی بیشتری برای فهم کلام خدا با توجه به بندهای تعهد صلح‌نامه برای مسلمانان در تبلیغ اسلام به وجود آمد. رسول خدا ﷺ به‌طور رسمی با ارسال افراد و نامه به دعوت سران قبایل اقدام نمود و آن‌ها نیز به اسلام گرایش پیدا کردند که در سوره نصر بیان شده است. از آخرین گروه‌ها و قبایلی که به مدینه رهسپار شدند، مسیحیان نجران بودند. آنان با توجه به اختلاف اندکی که در گزارش‌ها وجود دارد، در سال‌های پایانی حیات پیامبر ﷺ وارد مدینه شدند.

ابن سعد اولین گروه اعزامی به مدینه را طایفه مضر از قبیله مزینه در سال هفتم هجری می‌داند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۲) و ورود هیئت نصاری نجران را پس از نمایندگان حمیر، پس از رمضان سال نهم هجری می‌داند. (همان، ص ۲۶۷-۲۶۸) بلاذری

ورود نصارای نجران و نگارش صلحنامه را در سال نهم و پس از غزوه تبوک دانسته و گرفتن اولین جزیه را از این گروه می‌داند. (بلاذری، ۱۹۸۸م، ص ۷۵) ورود مسیحیان نجران به مدینه را اولین رخداد سال دهم ذکر می‌کند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۸۶) در گزارش‌ها اوایل ماه ذی‌الحجه سال نهم هجری، کاروان نجرانیان راه خود را به سوی مدینه در پیش گرفت (انصاری، ۱۳۸۵ش، ص ۴۰) و اولین مذاکره نجرانیان با پیامبر ﷺ ۲۱ ذی‌الحجه سال نهم هجری در مدینه صورت گرفت. (انصاری، ۱۳۸۲ش، ۲۵۷) برخی بیست و چهارم یا بیست و پنجم ذی‌الحجه را روز مباهله دانسته‌اند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ش، ج ۳، ص ۳۷۰؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱، ص ۲۷۶) عده‌ای حرکت مسیحیان به مدینه را ربیع‌الثانی یا جمادی الاول سال دهم هجری دانسته‌اند. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۹۸؛ خلیفه، ۱۴۱۵ق، ص ۴۵) برخی دلیل ورود نجرانیان در سال دهم را تشریح جزیه دانسته‌اند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۹۶) درحالی‌که آیه جزیه در سوره توبه است و سوره توبه هم حدود سال نهم و یا کمی قبل از آن نازل شده است؛ زیرا غزوه تبوک در این سوره بیانگر زمانمند بودن آن است. لذا بایستی ورود وفود از سال ششم شروع شده باشد.

با بررسی منابع تاریخی و روایی، سال نهم را می‌توان سال ورود نجرانیان و مباهله دانست؛ زیرا سال دهم، مراسم آخرین حج پیامبر ﷺ و غدیر خم بود. ایامی که برای انجام مباهله ذکر شده، ۲۱، ۲۴ یا ۲۵ ذی‌الحجه است؛ درحالی‌که رسیدن کاروان پیامبر ﷺ از مکه تا مدینه ممکن نبود. بنابراین سال دهم را نمی‌توان سال مباهله در نظر گرفت و لزوماً سال نهم، سال رخداد مباهله بوده است.

۵. نتیجه‌گیری

تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن بر دو محور محتوا و روایات مبتنی است. از بهترین روایات در تاریخ‌گذاری، روایات ترتیب نزول است. در روایات ترتیب نزول در خصوص ترتیب نزول سوره آل عمران، اختلاف دیده نمی‌شود و آن را در ردیف اولین سوره‌های نازل شده در مدینه پس از بقره و انفال ذکر کرده‌اند. از نظر محتوا نیز دارای چند واقعه زمانمند از جمله غزوه بدر، احد و حمراءالاسد است که غزوه بدر در سال دوم و آیات آن در سوره انفال بیان شده و چندین آیه نیز در سوره آل عمران آمده، ولی

احد و حمراءالاسد در سال سوم و به طور مفصل در این سوره ذکر شده است. رخداد مباحله امری قطعی و از موضوعات مورد اتفاق و اجماع فریقین است ولی اشکال در تطبیق این واقعه مسلم، با آیات هم‌مضمون آن‌هاست؛ زیرا سوره آل عمران طبق دو اصل محتوا و سند در سال سوم، و نامه‌نگاری و ورود سران قبایل با اتفاق نظر پس از صلح حدیبیه بوده است؛ لذا تطبیق و همراهی این دو صحیح نیست. اسناد اکثر روایات مقطوع است؛ در مواردی مؤلفان (بیهقی، ابونعیم اصفهانی و...) فقط نام تابعی را ذکر می‌کنند و روایات منقول از صحابه نیز سلسله اسناد حذف شده است؛ مثلاً ابونعیم با حذف سند از ابن عباس روایت کرده است. در روایاتی علاوه بر بیان اینکه مباحله با مسیحیان نجران سبب نزول آیات بوده، به مباحله با یهود در سال سوم اشاره می‌شود. نزول سوره آل عمران به طور قطع در سال سوم و ورود سران قبایل به خصوص نصاری نجران پس از فتح مکه و تشریح جزیه، یعنی پس از نزول سوره توبه حدود سال نهم بوده است. بررسی دلالتی و سندی آیات و روایات و مستندات تاریخی، رخداد مباحله را قطعی و در سال‌های پایانی حیات پیامبر ﷺ و لی آن واقعه را سبب نزول آیات سوره آل عمران نمی‌داند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «و یشبه أن تكون هذه السورة نازلة دفعة واحدة فإن آياتها و هي مائتا آية- ظاهرة الاتساق و الانتظام من أولها إلى آخرها، متناسبه آياتها، مرتبطة أغراضها. و لذلك كان مما يترجح في النظر أن تكون السورة إنما نزلت على رسول الله ص و قد استقر له الأمر بعض الاستقرار و لما يتم استقراره، فإن فيها ذكر غزوه أحد، و فيها ذكر المباحله مع نصاری نجران و ذكرا من أمر اليهود...»
۲. مرسل روایتی است که راوی آن را از معصوم نقل کند، درحالی که او را درک نکرده باشد. (مامقانی، ۱۴۱ق، ج ۱، ص ۳۴۰)
۳. مهمل حدیثی است که نام بعضی از راویان در کتب رجالی نیامده است. (همان، ج ۱، ص ۳۹۷)
۴. مقلوب در سند در جایی است که شخص نام راویان را با بعضی دیگر الفاظ و عبارات جابه‌جا کند و تغییر دهد. (همان، ج ۱، ص ۳۹۱)
۵. البته برخی عام الوفود را در سال دهم دانسته‌اند (مسعودی، بی‌تا، ص ۲۴۰) که با نظر مشهور و معتبر مخالف است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق هیئت علمی دار القرآن الکریم، ج ۳، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعه، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۳. آل غازی عانی، عبدالقادر ملاحویش، بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
۴. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق اسعد محمد طیب، الطبعة الثالثة، ریاض: مکتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ق.
۵. —، الجرح والتعدیل، حیدرآباد: طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية و بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۵۲م.
۶. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی الکریم، الکامل، بیروت: دار صادر- دار بیروت، ۱۳۸۵ق.
۷. —، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۸. —، جامع الأصول فی أحادیث الرسول، تحقیق بشیر عیون، بیروت: دار الفکر، ۱۹۷۲م.
۹. —، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق محمود محمد طناحی، ج ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۱۰. —، النهاية، قم: اسماعیلیان، ۱۴۲۱ق.
۱۱. ابن اسحاق، محمد، سیرة رسول الله، تصحیح اصغر مهدوی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱ش.
۱۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۳. —، تهذیب التهذیب، هند: مطبعة دائرة المعارف النظامیه، ۱۳۲۶ق.
۱۴. —، العجائب فی بیان الاسباب، تحقیق عبدالحکیم محمد الانیس، دمام: دار ابن الجوزی، بی تا.
۱۵. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، المسند، ج ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۵ق.
۱۶. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحادة، الطبعة الثانية، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
۱۷. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۱۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم: علامه، ۱۳۷۹ش.
۱۹. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الأعمال، ج ۲، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ق.
۲۰. —، سعد السعود للنفوس منضود، قم: دار الذخائر، بی تا.
۲۱. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۲۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

۲۳. ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر بن ایوب، *زاد المعاد فی هدی خیر العباد*، بیروت: مؤسسه الرسالة، السابعة والعشرون، کویت: مكتبة المنار الاسلاميه، الطبعة: ۱۴۱۵ق.
۲۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
۲۵. ———، *تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)*، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۲۶. ابن هشام، عبدالملک بن هشام الحمیری، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۲۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمد مهدی ناصح و محمدجعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۲۸. احمدنژاد، امیر و کلباسی، زهرا، «خوانشی نو از آیات اذن قتال (أذن للذین یقاتلون...) با تأکید بر نزول مکی سوره حج»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، سال ششم، شماره ۲، ۱۳۹۷ش، ص ۳۳-۵۲.
۲۹. احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الرسول ﷺ*، قم: دار الحدیث، ۱۴۱۹ق.
۳۰. انصاری، محمدرضا، *گزارش لحظه به لحظه از ماجرای مباحله*، ج ۲، قم: انتشارات دلیل، ۱۳۸۵ش.
۳۱. ———، *اسرار مباحله*، قم: انتشارات دلیل، ۱۳۸۲ش.
۳۲. بغوی، حسین بن مسعود، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، تحقیق عبدالرزاق مهدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۳. بقاعی، ابراهیم بن عمر، *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*، تحقیق عبدالرزاق غالب مهدی، الطبعة الثالثة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
۳۴. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۳۵. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، *دلایل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة*، تحقیق عبدالمعطی قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۳۶. پاک‌نیا، عبدالکریم، *مباحله روشن‌ترین دلیل باورهای شیعه*، مجله *مبغان*، شماره ۵۰، ۱۳۸۲ش.
۳۷. پانی پتی، ثناءالله، *التفسیر المظهری*، کویت: مكتبة رشديه، ۱۴۱۲ق.
۳۸. ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف والبیان*، تحقیق ابن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۳۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، *صحاح اللغة*، بیروت: دار العلم المالیین، ۱۴۱۰ق.
۴۰. حجتی، محمداقبر، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، ج ۱۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ویرایش دوم، ۱۳۷۹ش.
۴۱. حیدرزاده، ناصر، «اسباب النزول از نگاه طباطبایی، جوادی آملی و معرفت»، *فصلنامه کتاب و*

- سنت، شماره ۱، ۱۳۹۳ش، ص ۱۴۷-۱۸۴.
۴۲. خلیفه بن خیاط، ابو عمر، *تاریخ خلیفه*، تحقیق فواز، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۴۳. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، الطبعة الثانية، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
۴۴. —، *سیر اعلام النبلاء*، قاهره: دار الحدیث، ۱۴۲۷ق.
۴۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۴۶. رحمان ستایش، محمد کاظم و نریمانی، زهره، «فهم و نقد کربست روایات اسباب النزول در الفرقان»، فصلنامه علوم حدیث، دوره بیست و سوم، شماره ۹۰، ۱۳۹۷ش، ص ۲۹-۵۰.
۴۷. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، تصحیح مصطفی حسین احمد، الطبعة الثالثة، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۴۸. —، *أساس البلاغة*، بیروت: دار صادر، ۱۹۷۹م.
۴۹. ساجدی، ابو الفضل و مرتضوی شاهرودی، سید محمود، «واکاوی گونه‌های دخالت ذهنیت راویان در فهم حدیث»، فصلنامه علوم حدیث، سال هجدهم، شماره ۲(۶۸)، ۱۳۹۲ش، ص ۱۱۸-۱۴۵.
۵۰. سلیمی زارع، مصطفی، «جایگاه روایات جری و تطبیق در فرایند تفسیر قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، سال نوزدهم، شماره ۱(پیاپی ۷۳)، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲۴-۱۴۱.
۵۱. سمرقندی، نصر بن محمد، *بحر العلوم*، تحقیق عمر عمروی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۵۲. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، الطبعة الخامسة والثلاثین، بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ق.
۵۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۵۴. —، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق فواز احمد زمرلی، ج ۲، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۵۵. شوشتری، قاضی نورالله، *احقاق الحق*، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ق.
۵۶. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *تفسیر الشهرستانی المسمی مفتاح الأسرار و مصابیح الأبرار*، تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط، ۱۳۸۷ش.
۵۷. صالحی شامی، محمد بن یوسف، *سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۵۸. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق*، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۱ق.
۵۹. طالقانی، محمود، *پرتوی از قرآن*، ج ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ش.
۶۰. طباطبایی، محمدحسین، *قرآن در اسلام*، به کوشش هادی خسروشاهی، ج ۳، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۶۱. —، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۶۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسیر الکبیر*، اردن: دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸م.

۶۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، ج ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۶۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الثانية، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
۶۵. —، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۶۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ ق.
۶۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح احمد حسیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
۶۸. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت: دارالآفاق الجدیده، ۱۴۰۰ ق.
۶۹. عنایه، غازی حسین، اسباب النزول القرآنی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۱ ق.
۷۰. غراب، کمال الدین، بررسی تطبیقی مباحثه پیامبر ﷺ با مسیحیان نجران، انتشارات بصیرت، ۱۳۹۰ ش.
۷۱. غزالی، محمد، فقه السیره، دمشق: دار القلم، ۱۴۰۹ ق.
۷۲. غضنفری، علی، «راهکارهای حل تعارض در اسباب نزول آیات»، مجله پیام جاویدان، شماره ۹، ۱۳۸۴ ش، ص ۴۷-۸۲.
۷۳. فارسی، جلال الدین، پیامبری و انقلاب، قم: امید، بی تا.
۷۴. فاروق آشکارتیازی، محم و همکاران، «تحلیل و بررسی روش دکتر عابدالجابری در تاریخ گذاری قرآن کریم»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱ (پیاپی ۹)، ۱۳۹۵ ش، ص ۴۷-۶۲.
۷۵. فاروق آشکارتیازی، محمد و همکاران، «تحلیل و بررسی روش تفسیری ملاحویش آل غازی در تاریخ گذاری قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء علیه السلام، سال چهاردهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۳)، ۱۳۹۶ ش، ص ۳۱-۵۵.
۷۶. فتاحی زاده، فتحیه و رجب زاده، شیرین، «نگرش علامه طباطبایی بر روایات ترتیب نزول»، دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۹-۵۳.
۷۷. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر مفاتیح الغیب، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۷۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۷۹. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۴ ق.
۸۰. قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، ج ۲، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ ش.
۸۱. قمی، عباس، سفینه البحار، قم: اسوه، ۱۴۱۴ ش.
۸۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، ج ۳، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۸۳. ماسینیون، لویی، مباحثه در مدینه، تهران: رسالت، ۱۳۷۸ ش.
۸۴. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایه، قم: آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۱ ق.

۸۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸۶. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، الطبعة الثانية، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
۸۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۸۸. مصلائی پور یزدی، عباس، «تحلیل و بررسی روش تفسیری عبدالقادر ملاحویش آل غازی»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره ۱۰، ۱۳۸۷ش، ص ۸۱-۱۰۴.
۸۹. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، الطبعة الثالثة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۹۰. معموری، علی، «بررسی تاریخی آیه مباحله و بازتاریخ کلامی آن»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۳۸۶ش، ص ۴۷-۸۱.
۹۱. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۹۲. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۹۳. مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفلة و المتاع، تحقیق محمد عبدالحمید النمسی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
۹۴. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۹، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ش.
۹۵. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و علة الابرار، ج ۵، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۹۶. نجفی، محمدجواد و موسوی، سید محمدتقی، «آراء تفسیری مفسران معاصر پیرامون آیه مباحله»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۹۴ش، ص ۱۴۳-۱۶۰.
۹۷. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، تهران: نشر هستی‌نما، ۱۳۸۰ش.
۹۸. —، «جستاری در تاریخ‌گذاری قرآن»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۱، ۱۳۸۵ش، ص ۲۵-۵۲.
۹۹. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق زغلول کمال بسیونی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۱۰۰. وافدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، الطبعة الثالثة، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۹ق.
۱۰۱. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق محمد انصاری، قم: الهادی، ۱۴۰۵ق.
۱۰۲. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
۱۰۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.